

مجموعه ۲ جلدی «حس خیابان» تجربه‌ای متفاوت از داستان نویسی با موضوع کارتن خوابی و بی‌خانمانی است

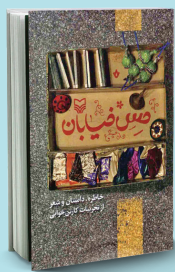
طعم تلخ کارتن خوابی در خیابان‌های شهر

سال‌های اخیر کم نبوده‌اند که هر کدام می‌توانست به تنهایی سوژه خلق یک اثر ادبی ماندگار شود، اما حاصل این سال‌ها چنگی به دل نمی‌زند. با این حال، برخی از نویسندگان از این مسئله غفلت نکرده و آثاری را با برخی مضامین حاد جامعه‌شناسانه از جمله آسیب‌های اجتماعی خلق کرده‌اند که علاوه بر داشتن جنبه‌های ادبی قابل توجه، رویکرد آسیب‌شناسانه هم به این موضوع دارند که یکی از این آثار، مجموعه ۲ جلدی «حس خیابان» به کوشش و قلم نفیسه علوی است که از سوی انتشارات سوره مهر در تهران چاپ و منتشر شده است.

بریده‌ای از کتاب «حس خیابان» به نظر شما حیف نبود برای ۲۵ تومان؟

غروب بود، چرخ خیاطی را گذاشت کف پیاده رو. دستانتش کرخ و قرمز شده بود. کمرش را راست کرد. دست‌ها را به کمر زد. نفسش را با کمی آه در آمیخت و بلند بیرون فرستاد. اندکی درنگ کرد. چادرش را مرتب دور کمر چنان پیچید تا به دست و پایش بند نشود. تمام توانش را به کار بست و دوباره چرخ خیاطی را از زمین بلند کرد. سرش پایین بود و استوارتر قدم بر می‌داشت. پیش رو کوچکی سربالایی با شیب تند برایش دهن کجی می‌کرد، پاهایش می‌لرزید. سرما سوزان بود. انگشتانش بی‌حس شده بود. چادر از روی سرش افتاد. ناگهان شانه‌هایش تیر کشید. به گمانم دردی بی‌رحمانه به سمت شانه‌هایش روانه شد. بی‌توجه به درد، همچنان قاطع و محکم قدم برمی‌داشت.

خانم... خانم، لطفا چادر من را روی سرم بکشید. ممنونم. خدا خیرتان بدهد.
روی صورت غم زده‌اش خیره شدم و پرسیدم: «چرا آژانس خبر نکردی؟ اصلا این چرخ خیاطی را کجا می‌بری؟»
دوباره با ناله خفیف بارش را روی زمین گذاشت. لبخندی کمرنگ روی لبانش نقش بست. چشمان بی‌فروغش ناگهان روشن شد. جهیز به‌ام است. خیاطی بلد نیستم، ولی توی خانه لازم می‌شود. اصلا برای هر خانه‌ای لازم است. باید باشد. چرا بفروشم؟ مردک سمسار ۲۵ هزار تومان قیمت گذاشت. ولی حیف است، لازم می‌شود. چند روز پیش شوهرم مردک سمسار را خبر کرد و چرخ خیاطی را فروخت. پول یک وعده مصرف موادش شد. امروز یارانه گرفتم و رفتم چرخ خیاطی‌ام را پس گرفتم. به نظر شما حیف نبود برای ۲۵ تومان؟



در ادبیات داستانی معاصر ایران بعضی رویکردها، مانند واقع‌گرایی حضور دائمی ندارد و هر از گاهی برخی نویسندگان آثاری را در این زمینه خلق می‌کنند که اغلب روایت بی‌برده از بعضی موضوعات و مشکلات و در مواردی آسیب‌های اجتماعی است. یکی از این مشکلات، موضوع بی‌خانمانی‌ها در شهرهای بزرگ از جمله تهران است که بازتاب چندانی در آثار داستانی سال‌های اخیر ندارد. به بیان دیگر، داستان اجتماعی در دهه‌های اخیر، با وجود تنوع موضوعات زشت و زیبا در جامعه ما، چندان فربه و تأثیرگذار نبوده است. موضوعات و مضامین ریز و درشت در

گشت و گذاری در آثار داستان نویسان ایرانی، نشان می‌دهد که برخی موضوعات اجتماعی هر از گاهی، به این آثار ورود کرده که پیش از این چندان مورد توجه نبوده است. با این حال، برخی معتقدند؛ نویسندگان اجتماعی نویس در لاک خود فرورفته و از جامعه فاصله گرفته‌اند و داستان‌هایشان بیشتر رنگ و بوی فضای پیرامونی‌شان را دارد. این در حالی است که دهه اخیر، دهه فرصت‌ها برای نسل جدید نویسندگان بوده است؛ نسلی که این مجال را یافته‌اند تا با تعدد ناشران و سهولت در چاپ

کتاب، داستان‌های خود را به دست مخاطبان برسانند، اما حاصل این فرصت عمدتاً داستان‌هایی بوده که خیلی زود فراموش شده‌اند و حتی تلنگری به بازار نشر نکرده‌اند. در چنین فضای انتشار آثاری مانند مجموعه ۲ جلدی «حس خیابان» جای تأمل و توجه دارد. این اثر شامل چند بخش خاطره و داستان است که با تمرکز بر موضوع اعتیاد منتشر شده که در آن از تجربیات کسانی سخن رفته که عمرشان را در خیابان‌ها سپری کرده‌اند؛ افرادی که آرزوها و زندگی‌شان در شعله اعتیاد دود شده است.

نوشتن از اعتیاد به عنوان یکی از آسیب‌های پرسابقه در کشور، هم سخت است و هم آسان. سخت از این جهت که ممکن است به سمت شعارزدگی و کلیشه‌نویسی پیش رود و آسان از این منظر که پدیده‌های شناخته شده است. کتاب «حس خیابان» به نظر می‌رسد که توانسته از این فرصت بهترین استفاده را ببرد. پای حرف کارتن خواب‌هایی رفته که پیدا کردن ته‌سیگارهای مانده در خیابان، آرزویشان شده و قاپیدن پول مرده‌ها، تمام هم و غم‌شان.

است که هر روز از کنارشان می‌گذریم، گاه فاصله می‌گیریم و در بسیاری مواقع آنها را نمی‌بینیم. داستان‌ها و خاطرات، کوتاه و خواندنی‌اند. تصویری واضح و واقعی از آنچه هر روز در این شهر رخ می‌دهد. کوچک و بزرگ هم نمی‌شناسد؛ از پیرمردی تنها گرفته تا دختری دانشجویی که دانشگاه را رها کرده و در پاتوق معتادان به دنبال راه حلی است برای فرار از خماری.

سوی دیگر «حس خیابان»، آدم‌هایی هستند که ناخواسته وارد این معرکه شده‌اند. خانواده‌هایی که اعتیاد، زندگی را از آنها گرفته است. کودکانی که سر از پرورشگاه در آورده و زنانی که به ناگاه سرپرست خانواده شده‌اند. نویسنده در این بخش نیز تمام تلاش خود را کرده تا در دام کلیشه‌زدگی گرفتار نشود.

شود. در مجموع کتاب «حس خیابان» را می‌توان از جمله آثاری معرفی کرد که هر کدام از خاطرات و داستان‌هایش می‌تواند الهام‌بخش تولید یک سریال یا اثر سینمایی باشد.

شروع کتاب با خاطره یکی از کارتن خواب‌های تهران که توانسته در گوشه خیابانی، یک اتاق مترو که پیدا کند، است. «حس خیابان» از همان ابتدا دست مخاطب خود را گرفته و به پاتوق معتادان می‌برد و بی‌رودربایستی و اغراق، او را به تماشای حوادثی می‌نشانند که زیر پوست این شهر رخ داده است. در واقع «حس خیابان» مجال صحبت به کسانی داده

در سال‌های اخیر هر چه سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی به این معضل اشاره کرده‌اند، کتاب‌های داستانی عمدتاً خاموش بوده‌اند. با وجود این، «حس خیابان» نمونه موفقی است از تلاش نویسندگان برای بازنمایی از یک آسیب اجتماعی قدیمی در کشور؛ هر چند به نظر می‌رسد برخی از خاطرات ذکر شده در کتاب می‌توانست با پرداخت بیشتر و توجه به جزئیات و توصیف جذاب‌تر ارائه

برشی از متن کتاب

پدیده بی‌خانمانی؛ انتقالی و مزمن

پدیده بی‌خانمانی در دو دسته کلی تقسیم می‌شود: بی‌خانمانی انتقالی و بی‌خانمانی مزمن. بی‌خانمانی انتقالی مختص افرادی است که به دلیل مشکلات خاص در کوتاه مدت دچار این معضل شده و مجبور به زندگی در سکونت‌گاه‌ها یا خیابان‌ها می‌شوند اما با رفع مشکل، امکان بازگشت آنها به زندگی عادی وجود دارد. افرادی که دچار بیماری روانی قابل علاج هستند، بیکاران و کسانی که درآمد کافی ندارند، کسانی که در اثر مشکلات و درگیری‌های خانوادگی راهی خیابان‌های شلوغ‌ترین معتنان؛ همگی عموم‌آدم این دسته‌های می‌گیرند. این در حالی است که بی‌خانمانی مزمن معمولاً شامل کسانی می‌شود که به دلیل معلولیت جسمی یا دلایل دیگر کنار خیابان‌ها زده شده‌اند و هیچ امیدی به بازگشت آنها به خانه وجود ندارد. به همین دلیل آنها در درازمدت در یکی از این سرپناه‌ها قرار می‌گیرند. به این افرادی بی‌خانمان‌های رسوبی هم گفته می‌شود.